

نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی

مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن غربی

مجموعه مطالعات ادیان | ۱۰ |



بنیادگرایی دینی: نقد و تفاسیر

مقدمه: حسین غفاری

تهران: حکمت، ۱۳۹۵

غفاری، حسین، ۱۳۳۴

نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی: مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن غربی

نویسنده: حسین غفاری

تهران: حکمت، ۱۳۹۵

۱۶۸ ص

شابک: 978-964-244-169-3

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتاب‌نامه به صورت زیرنویس

مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن غربی از بنیادگرایی

بنیادگرایی مذهبی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷ن/ع/۲۳۸BL

رده‌بندی دیویی: ۲۰۰/۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۲۲۱۱۵۶



انتشارات حکمت

تهران، خیابان انقلاب، پلاک ۱۳۱، شماره ۹۴، کدپستی: ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲ / ۶۶۴۱۵۸۰ / ۶۶۴۰۶۵۰۵ شماره: ۶۶۴۰۶۵۰۵

سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۶۶۹۰۰۹۸۷

www.hekmat-pub.com

 hekmatpub

info@hekmat-pub.com

 hekmatpub

نقد و نظری بر بنیادگرایی دین

مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن غرب

حسین غفاری (عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تهران)

[hghafari@ut.ac.ir]

چاپ دوم: ۱۳۹۷ ش./ ۱۴۳۹ ق.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۶۹-۳

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی،

الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

۹

مقدمه

بخش ۱. نقاد دیدگاه کلی مؤلف (کارن آرمسترانگ) در تبیین خاستگاه دین
در تاریخ و فرهنگ بشری

۱۵

تبیین دیدگاه مؤلف

۲۰

نقد دیدگاه مؤلف

۲۰

۱. تلقی دین به عنوان حقیقت ابدی یا غیر سبیل

۲۵

۲. تمایز میان لوگوس و میتوس

۲۹

۳. یکسان‌انگاری لوگوس و عقل‌گرایی در غرب

۲۹

معنای لوگوس در عهد باستان

۳۴

ظهور «عقل جدید» در فرهنگ غرب

۳۶

۴. یکسان‌انگاری میتوس و بنیادگرایی

۵. نقد دیدگاه مؤلف در مورد ناکارآمدی دین در مقام استدلال، برای تبدیل شدن به

۴۱

برنامه مدیریت و مهندسی اجتماع

۴۴

اسلام از دو منظر ایمان شخصی، و تأسیس نظام سیاسی

بخش ۲. تبیین ماهوی بنیادگرایی

۵۱

تبیین دیدگاه مؤلف

۶۲

نقد دیدگاه مؤلف

۶۲

۱. عدم اشتراک ماهوی میان حرکات تروریستی و اندیشه سیاسی اسلام

۶۵

۲. تبیین اجمالی اندیشه سیاسی شیعه و تفاوت آن با اهل سنت

۷۰

کشورگشایی نظامی در اندیشه شیعه

۷۴

۳. ویژگی‌های بارز بنیادگرایی اصیل اسلامی و شیعی

- ۹۱ ۴. تروریسم و بنیادگرایی
- ۹۱ تعریف پیشنهادی برای تروریسم
- ۹۴ تقسیم‌بندی انواع عملیات تروریستی
- ۹۹ ۵. تفکیک دو وجهه نظر «سیاست» و «تفکر» در مسئله بنیادگرایی
- ۱۰۸ انسان غربی معاصر و بازگشت به «پروتوگوراس»
- ۱۱۵ ۶. راه‌کارهای پیشنهادی در قبال مسئله بنیادگرایی
- ۱۱۵ ۱. مشکلات سیاسی روزمره و موجود با نظام‌های مستقل بنیادگرا
- ۱۱۷ ۲. مشکلات با گروه‌های تندروی اسلام‌گرا یا منشأ ایدئولوژی اسلامی
- ۱۲۴ واکاوی ریشه تروریسم ایدئولوژیک در اندیشه اسلام سنتی معاصر
- ۱۳۹ ۳. مشکل اساسی تضاد میان تفکر مدرن غربی با تفکر بنیادگرای اسلامی
- ۱۵۰ نقد مارتن لیبرالیسم غربی به تقریر پوپر
- ۱۵۸ غیبت خواهر جامعه خودی و خودخواهی در جامعه بین‌المللی
- ۱۶۲ مآل‌های میان لیبرالیسم و دموکراسی
- ۱۶۴ نتیجه‌گیری: کارآرایی لیبرالیسم به‌عنوان مبنای یک تمدن انسانی
- ۱۶۷ کتاب‌نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

نوشته حاضر در اصل به عنوان مقدمه‌ای بر ترجمه فارسی کتاب بنیادگرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام^۱ نوشته سرکار خانم دکتر کارن آرمسترانگ، نویسنده و محقق معاصر انگلیسی نگاشته شده است. خانم دکتر آرمسترانگ آثار متعددی در زمینه‌های مختلف آیان نگاشته‌اند که برخی از آنها به فارسی هم ترجمه شده‌اند.^۲ مترجم محترم کتاب^۳ که قبل از ترجمه آن با اینجانب مشورت کرده بود، پس از ترجمه با توجه به ابعاد فلسفی، سیاسی و اجتماعی موجود در آن، از بنده درخواست نگارش تدمه‌ای انتقادی بر این اثر را نمود که مورد تأیید هیئت علمی مؤسسه انتشارات حکمت نیز قرار

۱. کارن آرمسترانگ در سال ۱۹۴۴ در انگلستان متولد شد و تحصیلاتش را در دانشگاه آکسفورد است. وی در گذشته به مدت هفت سال راهبه کاتولیک بود و پس از خروج از صومعه تحقیق در حوزه ادیان را شروع کرد. تاکنون بیش از ۲۵ کتاب توسط وی به نگارش درآمده است. بخشی از آنها نیز به فارسی ترجمه و منتشر شده که از آن جمله است: محمد (ﷺ)، زندگی پیامبر اسلام، ترجمه کیانوش حشمتی، انتشارات حکمت، چاپ ششم، ۱۳۹۴؛ تاریخ خداپاوری: ۴۰۰۰ سال جست‌وجوی یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی و بهزاد سالکی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۵؛ تاریخ مختصر اسطوره، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۹۲.

۲. این کتاب توسط آقای مهندس کیانوش حشمتی ترجمه و قرار است توسط انتشارات حکمت در سال ۱۳۹۵ هم‌زمان با این نقد منتشر شود.

گرفت. اینجانب از طرفی با توجه به مباحث جالب و نویی که توسط مؤلف دانشمند و دقیق‌النظر آن در این کتاب عرضه شده است، و آشنایی با آنها برای همه اقشار فرهیخته جامعه کنونی ما ضروری به نظر می‌رسد، و از طرفی با توجه به جنبه بین‌المللی مباحث که یکی از چالش‌های عمده نظام فرهنگی و سیاسی حاکم بر جهان غرب با فرهنگ دینی به‌ویژه اسلام و شیعه در بر دارد، علی‌رغم فاصله داشتن آنها با دل‌مشغولی‌های خود، به حکم و تالیف به بیت نگارش مقدمه‌ای کوتاه این درخواست را اجابت کردم. ولی در عداد دانشه بحث به درازا کشید، خصوصاً از آن‌رو که مباحث غالباً دو وجهه داشت. وجهه‌ای درونی و نسبت به جامعه خودی، و وجهه‌ای در بحث با مؤلف محترم به عنوان یک صاحب‌نظر و اندیشمند اجتماعی غربی، و در اصل نسبت به مذاهب جامعه غربی. در هر صورت علی‌رغم طولانی شدن بحث، همچنان در پاره‌ای از موضوعات مانند دموکراسی و فروعیات مربوط به آن، نکاتی باقی ماند که به اجمال از آن گذشتم. طولانی شدن این مقدمه به گونه‌ای شد که آن را به صورت آیه مستقل تحت عنوان نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی و در واقع به شکل تسکین متفاوت از این پدیده تبدیل کرد.^۱ بسیاری از منتقدان مدرنیته غربی از رضایت پس‌مدرن، و حتی اندیشمندی مانند هابرماس از درون مدرنیته، با دیدگاهی انتقادی پدیدۀ بنیادگرایی دینی را از عوارض افراط‌کاری‌های تفکر مدرنیته در بحمیل معیارهای خود بر انسان و همچون عکس‌العملی طبیعی در مقابل آن

۱. اکنون، با توجه به حجم این رساله، بنابر این شد که خلاصه‌ای کوتاه از آن به عنوان مقدمه بر ترجمه فارسی کتاب بنیادگرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام قرار گیرد و اصل آن به صورت کتاب حاضر به طور مستقل منتشر شود (البته هم‌زمان با انتشار اصل ترجمه، که متأسفانه به دلایل فنی و غیرفنی مربوط به نشر، با تأخیری نسبتاً طولانی نسبت به زمان ترجمه، یعنی حدود پنج سال پس از آن، صورت می‌پذیرد).

می‌انگارند ولی آن چنان‌که در طی این رساله به تفصیل خواهد آمد این سخن اگرچه بهره‌ای از حقیقت را داراست ولی تفسیری کوتاه و ناکافی از پدیده موسوم به بنیادگرایی دینی است و حداکثر شعاع تبیینی آن در محدوده جریانات و حوادث تروریستی در حوزه بنیادگرایی مسیحی است و می‌تواند توجیه‌گر چنین حوادثی به عنوان عکس‌العملی در مقابل رانده شدن مسیحیت از جامعه مدنی مدرن تلقی شود ولی نسبت به آنچه که با برچسب بنیادگرایی شنی، نظام حکومتی دینی در دنیای معاصر به آن اشاره شده است و یا حتی نسبت به ته‌جیه عناصر تروریستی منسوب به اسلام سنی مانند القاعده و... ناکافی و غیردقیقی است. و مادام که میان مسائل سیاسی ناشی از گسترش منافع سیاسی، اقتصادی جهان غرب و در رأس آن امریکا، با مسائل عقیدتی و فرهنگی ناشی از تفاوت دو بینش متفاوت درباره ماهیت دین و کارکردهای آن، و نیز مامت رزش‌گذاری‌های متفاوت میان انسان غربی و شرقی تفکیک جدی صورت نگیرد، هرگز نمی‌توان با اطلاق برچسب‌های مصنوعی مانند بنیادگرایی به حوادث و حقایق متفاوت، به استنتاج توصیه‌های مفید و مؤثر برای حل بحران‌های ناشی از آن دست یافت. تلاش نگارنده در این رساله بر این است که ابتدا با ارائه تعاریف حتی‌الامکان دقیق، واقع‌گرایانه و منطقی، محدوده‌های این جریانات تروریستی و خشونت‌بار را از یکدیگر جدا کند و سپس درصدد ارائه تحلیل و عوامل پیدایش آنها برآید تا پس از آن بتواند با دادن راه‌کارهای اجباری و عملی از توسعه دامنه آنها بکاهد و به‌سوی محو و نابودی این حوادث خشونت‌بار حرکت کند؛ و نیز با جدا کردن بنیادگرایی شیعی از محدوده کلیه حوادث تروریستی، با معرفی فلسفه سیاسی شیعه و تمایز آن با فلسفه سیاسی سنی، برقراری نظام حکومت دینی شیعی را امری متفاوت با

تجربه‌های سیاسی دینی در غرب معرفی کند و آن را به عنوان الگویی پیشرفته برای تحقق ایده‌آل‌های فضیلت، عدالت و آزادی در محدوده اخلاق انسانی نشان دهد و معادل دانستن آن را با یک حرکت پرخاشگرانه کور، که محتوای مفهوم «بنیادگرایی» در ادبیات معاصر سیاسی غربی است، کاملاً نادرست و ماقده توجیه نشان دهد؛ و سرانجام این نوشته ضمن مباحثی فشرده به نقادی مبانی فلسفی نظام لیبرالیسم به عنوان الگوی نهایی دنیای مدرن می‌پردازد و از درآمیختن آن به صورت یک خاصیت ذاتی و مقوم، با سودای قدرت در جهان سرمایه‌داری نوین خبر می‌دهد.

نگارش این کتاب بنیادگرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام طبق گفته مؤلف پس از سال‌ها مقدمات با حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر به سرانجام رسید و مؤلف از وقایع این حادثه همچون تأییدی بر تفسیر خود از «بنیادگرایی دینی» یاد می‌کند و حدود یک ماه پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۱۱ موفق به انتشار آن می‌شود. مؤلف اریسته آن است که ضمن معرفی صحیح جریان‌های بنیادگرایی در سه دین زنا‌دین، و با تحلیل علل پیدایش آن، فاصله فکری میان بنیادگرایان و انسان‌های عام‌المنفعه را اولاً هرچه بیشتر شناسایی و سپس بر اساس واقع‌انگاری همدلانه هرچند کمتر کند.

به عقیده مؤلف، بنیادگرایی منحصر به چند نفر از تروریست‌های خشن مذهبی نیست که بتوان با اعمال خشونت متقابل، به حذف آن نائل شد، بلکه این پدیده از مختصات قرن بیستم و ناشی از تجاوز گسترده مدرنیته به ساحات دین و عکس‌العملی طبیعی از طرف معتقدان به دین برای حفظ حریم معنویت است. لذا چاره کار اولاً در شناخت واقع‌گرایانه دو طرف از یکدیگر و سپس تعامل بر اساس درک موقعیت طرف مقابل و تلاش برای ایجاد نوعی موازنه و تعادل است.

کتاب بنیادگرایی خانم آرمسترانگ را در یک تحلیل بسیار کلی می‌توان مرکب از دو جنبه و حیثیت دانست:

الف. حیث توصیفی، که مؤلف محترم با تتبع گسترده و قابل تحسین اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی ظهور پدیده بنیادگرایی در سه دین بزرگ و حیانی جهان (یهودیت، مسیحیت و اسلام) را بررسی می‌کند و در ضمن آن با ارائه گزارش‌های تاریخی مستند و دقیق از کیفیت ظهور بنیادگرایی در این فرهنگ‌ها، خبر می‌دهد.

ب. حیث تحلیلی، که مؤلف با به کارگیری چند مقدمه کلی بستر دستگاهی قیاسی را برای تحلیل منطقی و پیشینی پیدایش بنیادگرایی به‌زعم خود فراهم می‌کند و سپس با بهره‌گیری از توصیفات به‌عمل آمده، جایگاه روشن عینی و نیز منطقی پدیده بنیادگرایی را در سیم تحول فرهنگ‌ها نشان می‌دهد.

از منظر انتقادی، بخش توصیفی کتاب حکایت از دقت نظر، تتبع و روحیه انصاف و همدلی مؤلف دارد؛ البته سرف نظر از اشکالات جزئی و یا موردی در مباحث مربوط به تاریخ معاصر ایران، یا درباره پاره‌ای برداشت‌های اسلامی و شیعی، که در کنار بهارهات دقیق و وسیع، و در غالب موارد، صائب مؤلف نسبت به تاریخ و فرهنگی که به کلی با آن بیگانه است به سهولت قابل چشم‌پوشی است. این اختلاف نظرها بر تجمه کتاب، با تذکرات موردی نگارنده یا ملاحظات دیگر ویراستاران، عمدتاً با انزایش پاره‌ای حواشی و تعلیقات اصلاح شده است و آنچه می‌ماند برخی ملاحظات و اختلاف نظرهای مبنایی اینجانب است که در این کتاب تحت دو عنوان کلی به آن اشاره می‌شود:

بخش اول: اختلاف مبنایی با مؤلف در تبیین خاستگاه دین و عامل معنوی در تاریخ بشری و فرهنگ به‌طور کلی.